

قسمت دوم

بعد هم که وسایل بازی و اسباب مختلف را دیده زود برایش کهنه میشود تازه ای می طلبد.

کودک اول با همان اشیاء موجود در محیط خود هر روز آنها را همچون بت عباره زندگی درمی آورد و در آنها تغییراتی میدهد. مثلاً اگر یک پر، یک برگ و یا هر چیز دیگری به او بدهید، می بینید آنها را به چند شکل در می آورد و با هر شکل، فکری دارد و نشاطی دارد و شروع به خندیدن می کند.

اقا کودک دوم را بساید طراح اسباب بازیها فرمان بدهد و مادرش او را به ترکیب و تجزیه اسبابها وادار کند تا کاری کند.

تفاوت این دو کودک در این است که: آن کودک اولی همه چیز برایش وسیله است، حتی با انگشتانش نیز شروع به بازی می کند و حرکات عجیب و غریب از خود درمی آورد، یعنی: این کودک با همه وجودش و بویژه با دلش زندگی می کند، اما آن کودکی که مرتب بهانه می گیرد و ابزار و وسایل می خواهد، فقط با چشمش زندگی می کند و کودکی که با چشمش زندگی کند خیلی خرج دارد.

حالا یک مربی که بخواهد خوراک به چشم آن بچه بدهد، مرتب باید داد بزند: وسیله، ابزار، امکانات لازم است و ما هم بگوییم امکانات نداریم.

ولی آن کودک دیگر، کودکی است که دلش زنده است. به سیمای مربی که نگاه می کند چیز تازه ای می فهمد. هر روز به همین شکل نگاه می کند ولی هر بار چیز تازه ای می بیند و می آموزد و می فهمد. به هر چیز که نگاه می کند از یک جهت خاص به آن نگاه می کند و نکته تازه ای درمی یابد.

پس در اینجا اگر مربی دریابد که کارش با قلب بچه است، دیگر با کمیت و کیفیت قضیه کاری ندارد، الا فلذ کردن و حرکت دادن قلب کودک.

حرکت قلب مسأله مهمی است یعنی توجه قلب او، عاطفه قلب او، خواست قلب او، نیت قلب او، قصد قلب او، پاور قلب او، نشاط و امید قلب او.

در اینجا باز مواردی پیش می آید که احتیاج به طرحهای عملی دارد و در همین موارد جای کار نافذ مربی است.

مربی، هیچیک از اینها که گفته شد به من مربوط نیست، بنابراین فایده اش چیست؟

وقتی می گویم «مربی»، کلمه «مربی» را بطور عام بکار می گیریم؛ و مصداقش آنکه مربی خدا است، مربی رسول اکرم (ص) است، مربی ائمه هداة است، مربی عالم عامل است و مربی هر مؤمنی می تواند باشد که دیگران به ایمان و عمل صالح او ایمان دارند.

مربی میتواند پدر خوب، مادر خوب، خواهر و برادر بزرگتر باشد. در نتیجه زمانی هم که گفته می شود «مربی مدرسه» با این مصداقها که گفته شد هیچ تفاوت ندارد. تنها مواضع این افراد با یکدیگر فرق دارند، همانگونه که موضع پیغمبر با خدا تفاوت دارد. با آنچنان موضعی که فرضاً «پدر خوب» با «رسول خدا» تفاوت دارد.

ولی نکته اساسی همان است که در حقیقت همه برای آن کار می کنند که نقش مربی را عامل صلاح کنند.

یعنی: اگر در حال حاضر به دلخواه خودش کار می کند، در جهت اصلاح منطقی، که هم راستا با خواست خدا است هدایت کنند.

پایگاه نفس «قلب» است گفتیم که یک نفر روی «قلب»، روی «درون» کار می کند، یکی هم روی «بیرون افراد» کار می کند.

آن کس که روی «بیرون» کار و فعالیت می کند آنقدر ابزار و وسایل می خواهد تا کودک بتواند از بیرون به درون خودش اثرات را منتقل کند ولی یک مربی زیرک و دانا، از ابتدا روی به قلب فرزند می کند و بر قلب او اثر می گذارد او قلب را می چرخاند که موفق است و کارش هم سهل و آسان.

بچه ها دو گونه هستند: یکی کودکی است که وقتی از خواب بیدار می شود، همانجا داخل رختخواب با لباسها و رختخوابش شروع به بازی می کند،

یعنی همه آنچه هست برایش وسیله برگزینی و تفکر و نگاه کردن می شوند.

کودک دیگری هم هست که وقتی بیدار می شود، شروع می کند به داد و فریاد کردن و بهانه گرفتن تا مادرش برایش اسباب بازی بیاورد.

قبل از این که به برنامه های امور تربیتی اشاره ای داشته باشیم، ذکر این نکته را هم ضروری می دانم که ما بعنوان مسئولین امورتربیتی با صدای بلند اعلام می کنیم که متولی برخورد با دشمن در این میدان به تنهایی نیستیم، چون نه توانش را داریم و نه این تنها مسئولیت ماست. تمامی نیروها باید بسیج شوند از درون آموزش و پرورش، همه و همه باید بسیج شوند تا بشود در این نبرد هم مثل نبرد نظامی به پیروزی برسیم. صدا و سیما نقش بسیار موثری دارد. روزنامه ها نقش تعیین کننده ای دارند. وزارت ارشاد اسلامی، کانونها و پدر و مادرها نقش موثر دارند. روحانیت از همه بیشتر نقش دارد. نقش آموزش و پرورش هم در درون خودش تنها به امورتربیتی ختم نمی شود. وقتی درباره مدرسه ای می پرسیم که وضع تربیتی آن چگونه است؟ می گویند مربی تربیتی بیاید توضیح بدهد. این جواب غلطی است. درست است اگر پدر یا مادری وارد مدرسه شوند و بپرسند جناب مدیر چرا درس فیزیک بچه من نسبت به ثلث قبلی نمره اش پایین تر است صدا می زنیم دبیر فیزیک بیاید و جواب بدهد و یا معلم فارسی توضیح می دهد فارسی او چنین است اما بحث تربیت مسلماً اینچنین نیست و اگر گفتند آقا چرا بچه دروغ می گویند، چرا لجبازی می کند و یا چرا بچه درگیری ایجاد می کند؟ تنها مربی تربیتی نباید پاسخ بدهد بلکه دبیر فیزیک و شیمی و مدیر هم باید پاسخگو باشند. اگر این اندیشه در ذهن به هم رسیده باشد یا باشد که بگویند کار تربیتی مختص امورتربیتی است، اعلام می کنیم اینچنین نیست و عملاً هم ثابت کرده و در خطی حرکت کردیم که این فکر را از بین ببریم. ما معتقدیم زمانی در مجموعه آموزش و پرورش ما تربیت به مفهوم واقعی خودش تعلق می یابد که تمامی عوامل تعیین کننده بخصوص سه عنصر مدیر، مربی، معلم در کنار هم و در یک جهت و در یک راستا حرکت

امور تربیتی اصلی ترین و مهمترین وظیفه خویش را در مساعد نمودن زمینه رشد شخصیت اسلامی دانش آموزان می‌داند و ما معتقد هستیم آموزش تربیتی و مربی تربیتی در مدارس باید تمامی توان و امکانات خودش را بسیج کند تا در محیط مدرسه و فضای عطر آگین تربیت اسلامی برای رشد شخصیت متعادل دانش آموزان در راستای اهداف تعلیم و تربیت اسلامی شرائطی بوجود آید و بهداشت روانی چنان تامین شود که دانش آموزها بتوانند بدور از تمامی نازسایهها و نابهنجاریها، استعدادهاى خودش را بروز دهد و این استعدادها در راستای اهداف عالی تعلیم و تربیت اسلامی متجلی و شکوفا شود؛ این اصلی ترین و اساسی ترین وظیفه مربی ماست.

حتی اگر نصب چند پوستره به تحقق این رسالت کمک می‌کند، پوسترها را باید بچسباند، فضا را فضای اسلامی کند و به بزرگداشت و برپایی ایام الله بپردازد. اگر اجرای مراسم صبحگاهی این کمک را می‌کند و این فضا را بوجود می‌آورد باید این مراسم را انجام دهد. اگر ارتباط با پدر و مادر زمینه ساز فراهم کردن چنین فضایی است، باید با پدر و مادرها در تماس باشد و کلاً عوامل و عناصری که میتواند مؤثر باشند تا فضا، فضای تربیت اسلامی شود به عهده همه اولیای مدرسه بخصوص مربیان عزیز می‌باشد. آن فضا، فضایی است که دانش آموز ما در آن احساس امنیت کند و استعدادها و خلاقیت‌های خودش را بتواند بروز دهد و بدور از تمامی کجی‌ها و ناراستیها بتواند در مسیر الهی قرار گیرد. این وظیفه اصلی و اساسی ترین وظیفه مربیان است و وظیفه دوم پر بار کردن اوقات فراغت دانش آموزان است؛ غنسی کردن اوقات فراغت باز در راستای اهداف تربیتی اسلامی است و اگر نقش سازندگی و تاثیرگذاری اوقات فراغت بر روی شخصیت و شاکله دانش آموزان بیشتر از ساعات آموزش رسمی نباشد، کمتر هم نیست. آن زمانی که دانش آموز با اختیار خودش می‌رود سرکوجه می‌ایستد، سخنی می‌گوید و سخنی می‌شنود، در برنامه‌ای شرکت می‌کند، در زمین فوتبال با دوستان سخنانی می‌گوید و میشود، در خیابان قدم می‌زند و احياناً از دیدن لباسهای داخل فروشگاه تصویری در



هم متولی میباشد. مربی مجری یکسری فعالیت‌های تربیتی است که اشاره خواهم کرد، اما مسئول اصلی خود مدیر است. شرح وظایف مدیران را حتماً مطالعه فرموده‌اید؛ آن شرح وظایف اداری را که ابلاغ شده براین مطلب تصریح دارد که مدیران موظف هستند و این مسئولیت را بعهده دارند و مربی تربیتی بعنوان عضوی در سازمان مدیریت فعالیت‌هایی را انجام می‌دهد تا زمینه تحقق اهداف تربیتی مساعدتر شود. با توجه به مسائلی که مطرح کردم،

کنند. اگر تنازع ویا نفي و اثباتی وجود داشته باشد زحمات به هدر خواهد رفت؛ اگر مدیر، معلم را یا مربی پرورشی مثلاً هیچکدام را قبول نکنند، مسلم تلاش شبانه روزی این برادران و خواهران کوچکترین برآیندی نخواهد داشت. حتماً باید این نیروها همسو شوند تا تربیت به نتیجه مطلوب و معتدلی برسد. براین اساس، ما معتقد هستیم که مسئول آموزش تربیتی به تنهایی برای انجام فعالیت‌های تربیتی در مدارس کافی نیست و در اینجا مدیر و معلم

ذهنش دارد، این ساعات مسلماً تأثیر تربیتی اش به مراتب بیشتر از زمانی است که ما سرکلاس شاگرد را نشانده ایم و دست به سینه هم نشسته و معلمی هم می خواهد یکسری صحبت‌هایی را به دانش آموز القا نماید.

مسلماً تأثیر آن اوقات فراغت بیشتر از این ساعتها خواهد بود. لذا ما وظیفه اصلی خود می‌دانیم که امورتربیتی در جهتی برنامه‌ریزی و اجرایی برنامه داشته باشد که بتواند در غنی سازی و پر کردن اوقات فراغت دانش آموزان ایفای نقش کند. این اوقات را به نحو مطلوب و در جهت سازندگی بکنند. کاری سازنده و توأم با خلاقیت برای اوندازک ببینند. وظیفه سوم ما شناخت استعداد های دانش آموزان و رشد این استعدادهاست. از نظر تئوری تجربی ثابت شده که همه دانش آموزان از یک استعداد برخوردار نیستند. (الناس معادن کالمعادن الذهب والفضة) انسانها مانند معدنی هستند که تفاوت‌های فردی با هم دارند. مربی تربیتی باید این استعدادها را بشناسد، روی این استعدادها سرمایه گذاری کند و این‌ها را رشد بدهد، چرا که در شرایط و شرح وظایف میباید همانطور که شناسایی استعداد های آموزشی وظیفه معلمان است، در زمینه پرورشی شناسایی این استعداد و رشد آن و بارور کردن استعدادها وظیفه ای است که بر عهده مربیان تربیتی نهاده شده است. براساس این اولویتها که سه مورد آنها خدمتتان عرض کردم، امورتربیتی دست به برنامه‌ریزی سازمان یافته و گسترده‌ای تحت عنوان «مسابقات فرهنگی و هنری» زده است، علت گستردگی رشته‌ها عنایت به همان اصلی سومی است که اشاره شد. چون دانش آموزان استعداد های مختلف دارند، ما هم برنامه‌های مختلف باید داشته باشیم تا بتوانیم آنها را جذب کنیم.

آن دانش آموزی که شاکله مذهبی دارد و در یک خانواده مذهبی نشو و نما نموده، با برنامه مذهبی جذب میشود. آن دانش آموزی که کمتر از این نعمت و از این تربیت بهره‌مند شده، مسلم با برنامه‌های قرآن و نماز جماعت و دعای کمیل و امثالهم جذب نمیشود. لذا برنامه متنوع دیگری لازم است تا او نیز جذب شود، به این دلیل در هشت رشته

برنامه تدوین کردیم که هر رشته متناسب با یک گروه از دانش آموزان ما خواهد بود و هر فردی براساس علائق و استعداد خودش جذب یکی از این مسابقات می‌شود. چنانکه در دستورالعمل مسابقات آمده، مسابقات به هیچ وجه هدف نیست، مسابقات فرهنگی هنری - که دو سال است اجرا میشود و انشاء الله در سالهای آینده با قوت بیشتر اجراء و کاستها مرتفع خواهد شد - بعنوان ابزاری در خدمت تربیت و وسیله‌ای برای مربی به حساب می‌آید. مسابقات را طراحی کردیم تا مستمسک و وسیله‌ای پیدا کرده‌وبه کمک آن بین مربی و متربی پیوند بزینیم. اگر دانش آموز خواست با مربی ارتباط برقرار کند و یا اگر مربی قصد انجام ارتباط را داشت، یک سوز و بهانه ارتباطی داشته باشند. مسابقات بهانه‌ای هستند برای برقراری این ارتباط تا مربی و متربی و بالعکس بتوانند با هم ارتباط برقرار کنند، حرفهایشان را به هم بزنند، صمیمیت ایجاد شود، اهداف تشریح شود. به این دلیل مسابقات در ۸ رشته طراحی شد.

مسابقه قرآن که قدمت ۵ ساله در آموزش و پرورش دارد، یکی از دستاوردهای آموزش و پرورش بعد از انقلاب و از کارهای بسیار ارزشمند و نفیس بشمار می‌آید. این مسابقات امروز در آموزش و پرورش ما به یاری دست اندرکاران در حال اجراء است و تعداد افراد شرکت کننده در آن بسیار چشمگیر است. سال گذشته قریب ۱۳۰۰۰۰ نفر داوطلبانه

□ در برنامه پنجساله آینده اولویت بعد از جنگ، آموزش و پرورش است.

□ امورتربیتی مجری برنامه‌ها و فعالیتهای تربیتی است نه متولی آن.

در این مسابقات شرکت کرده‌اند. برای شرکت در این مسابقات حداقل ده تا پانزده حدیث سازنده، تعدادی از آیات و تعدادی شعار هفته توسط دانش آموز حفظ میشود که از برگردن اینها بسیار بسیار مؤثر میباید. شما مستحضر هستید که در جامعه امروزی ما به

لطف خدا مسابقات قرآن فراوانی برگزار می‌شود اما مسابقات قرآن ما با مسابقات سایر سازمانها و ارگانها دوالی سه تفاوت بنیادی و اساسی دارد؛ اولین تفاوت در این است که در مسابقات آموزش و پرورش، آموزش مقدم بر مسابقه میباید. آنهایی که با مسابقات سایر سازمانها آشنا هستند، می‌دانند که آنها اعلام می‌کنند فلان تاریخ مسابقه قرآن میباید و هر کس مایل بود شرکت می‌کند. اما ما اعلام می‌کنیم کسی که مایل به شرکت در مسابقات می‌باشد، این احادیث و آیات را حفظ کند، این کارها را انجام بدهد و بعد بیاید که این خودش بعنوان ابزاری برای آموزش و پرورش دانش آموزان بحساب می‌آید. مثلاً ما در مسابقات قرآن به اخلاق دانش آموز نمره می‌دهیم، در مدرسه این نمره را معلم یا مدیر و در خانه، ولی دانش آموز می‌دهد و این امتیازی است که در این مسابقات در نظر گرفته شده است و با مثلاً در مسابقات کشوری وقتی دانش آموزان در منطقه منتخب شدند و از منطقه به استان معرفی شدند و از استان به مرحله کشوری رسیدند، اگر دانش آموزی در مرحله کشوری رتبه کسب کند بعد ما او را از مسابقه محروم می‌کنیم، به او می‌گوییم در مسابقه شرکت نکن، مهمان ما باش و به اردوگاه یا اما در مسابقه شرکت نکن، چرا؟ بخاطر اینکه او را تکبر و عجب نگیرد و احساس کهنتری و حقارت در دانش آموزان دیگر بوجود نیاید. می‌خواهیم آنها احساس نکنند که قبلاً با این فردی که در مسابقه کشوری سه سال رتبه می‌آورده دیگر نمی‌توانند رقابت کنند. او از میدان کنار می‌آید تا دیگران به میدان آمده و بیشتر حضور پیدا کنند. اینها نکات ظریف تربیتی است که در این مسابقات در نظر گرفته شده است. مسابقات نهج البلاغه قدم مثبت و مؤثر دیگری بود که به لطف خدا در امورتربیتی مطرح شد. جزواتی تحت عنوان چهل مروارید - که حاوی احادیثی در زمینه حق و باطل و اصول عقاید میباید - تدوین شد و به مدارس فرستاده شد. البته تعداد کم بود و با سال تعداد بیشتری فرستاده خواهد شد. که دانش آموزان این احادیث را حفظ کرده و به مسابقات کشوری راه پیدا می‌کنند. مسابقاتی نیز در زمینه‌های کتابخوانی، شعر و قصه و همچنین مسابقات هنری در رشته‌های سرود، تئاتر، هنرهای

دستی، خط و نقاشی پیش بینی شده است. با این که ما سال دوم این حرکت منسجم را پشت سر گذاشتیم، استقبال دانش آموزان بسیار بسیار مطلوب بوده و آمار سال گذشته ما رقمی بین ۳/۵ - ۴ میلیون دانش آموز را نشان میدهد که داوطلبانه در این مسابقات شرکت کرده اند. همچنانکه اشاره شد، در این مسابقات اهداف تربیتی بر اهداف غیر تربیتی ترجیح دارد. این مسابقات در سه مقوله مسائل عقیدتی، سیاسی، ادبی و هنری طراحی شده که هر دانش آموزی بر اساس ذوق و استعداد خودش جذب یکی از این مسابقات میشود. بعنوان مثال در مسابقات سرود ما شاهد بودیم بسیاری از این بچه هایی که به نماز و روزه و وجهه علاقه ای نداشتند اما به سرود خوانی، کار کردن با آن وسایل علاقمندی داشتند، جذب امور تربیتی و برنامه های تربیتی شدند و با ارائه برنامه ها از سوی مربیان ما موفق شدیم از این دانش آموزان بچه های خوب و نمونه ای بسازیم.

یکی از مربیان می گفتند در سال گذشته تعدادی از بچه های سرود که حتی اهل نماز نبودند، وقتی که بر می گشتند، تصمیم گرفتند نماز بخوانند. ایشان می گفتند طی این یکسالی که در این مدرسه با هم بودیم شاهد بودم که نماز شان را مرتب می خواندند و در این راه استقامت می کردند. همانطور که اشاره کردم، اجرای مسابقات وسیله ای برای ابلاغ پیامهای تربیتی است. امروزه یکی از مسائل اساسی ما در مدارس مشکل کتابخانه ها میباشد. متأسفانه با آنکه کتاب و کتابخانه در فرهنگ ما قدامت و سابقه درخشانی دارد، در آموزش و پرورش ما از مطلوبیت کافی برخوردار نیست. شما اگر یک آمار سرانگشتی در همین جلسه بگیرید، کم هستند مدارسی که در نقشه ساختمانی آنها جایی بعنوان کتابخانه پیش بینی شده باشد، اگر هم کتابخانه ای دارند انباری یا یک اتاق اضافی و در نهایت بعلمت علاقه زیاد مدیر و مربی و فشاری که بر دوشان بوده، زیر راه پله را به کتابخانه تبدیل کرده اند. به کرات در بازدیدهایی که از مدارس در استانهای مختلف داشتیم شاهد این قضیه بوده ایم. به هر حال این وضعی است که در کتابخانه های ما وجود دارد و کتابخوان هم

بسیار اندک است.

آنجایی که مربی خودش کار می کند، دانش آموز خودش زحمت می کشد و مطالعه می کند، برآیند کار چندین و چند برابر آنجایی است که دانش آموز تلاش نمی کند. لذا ما باید فرهنگ کتابخوانی را در جامعه جایبندازیم و دانش آموزان را به صحنه مطالعه بکشانیم. دانش آموزان ما امروزه بسیار کم مطالعه می کنند.

شما اطلاع دارید، عوامل متعددی مسبب این قضیه هستند؛ یکی از عوامل این

● اگر نقش سازندگی و تأثیرگذاری اوقات فراغت بر روی شخصیت و شاکله دانش آموزان بیشتر از ساعات آموزش رسمی نباشد، کمتر هم نیست.

است که مسئولین، خوب و بطور جدی روی این موضوع کار نمی کنند، خوب تبلیغ نمی کنند، خوب توجه نمی کنند، خوب تشریح نمی کنند، دانش آموزان را خوب راهنمایی نمی کنند، بطوریکه حتی اگر دانش آموزان به صحنه مطالعه کشیده شوند بعد از مدتی آفتهای مطالعه آنها را میگرد و از راه باز میمانند. برای مثال یا کتاب را مناسب انتخاب نمی کنند و یا ساعت و روش مطالعه درستی ندارند. کلاً عوامل مختلفی باعث میشود که پس از مدتی دانش آموزان مطالعه زده شده و آن را رها کند. اینها آفتهای و مشکلاتی است که در آموزش و پرورش ما وجود دارد. برای ابلاغ پیامهای تربیتی و نیز به انجام رسیدن امور تربیتی در جهت برنامه ریزی لازم در این زمینه، یکی از مسابقات همچنانکه عرض شد مسابقه کتاب است. ما سعی کردیم هرچند به بهانه مسابقه، دانش آموزان را به وادی مطالعه بکشانیم. بکسری کتابهایی که از قبل تعیین شده به دانش آموزان معرفی می کنیم. دانش آموزان داوطلب بعد از مطالعه در مسابقه شرکت می کنند و با آوردن رتبه لازم به مرحله کشوری راه می یابند. این بطور مختصر برنامه هایی است که امروزه در

امور تربیتی مطرح است.

با تمام این برنامه هایی که ارائه شده است لازم می دانم این نکته را مجدداً تذکر بدهم که متولی امر تربیت در درون مدرسه فقط امور تربیتی نیست بلکه همه مسئول هستند. همچنانکه اشاره شد، نبرد سنگینی است؛ دشمن با تمام توان به میدان آمده، ما هم باید با تمام توان به میدان بیاییم.

اگر در گذشته بعلمت مشکلاتی که مملکت و جامعه ما داشت و بعضی از مسئولین متأسفانه این توجه را نداشتند اما امروز این توجه را دارند. حتماً مطلع هستید که در مجلس در اولویت بندیها بعد از مساله جنگ، مساله آموزش و پرورش در نظر گرفته شده است. در تنظیم و تخصیص بودجه نیز این اولویت در نظر گرفته شده است. زمانی به کشاورزی و زمانی به صنعت این اولویت را داده بودند، اما در برنامه پنجساله آینده اولویت بعد از جنگ، آموزش و پرورش است. امروز این زحمه در بین مسئولین وجود دارد که برای فرهنگ کشور باید همه به میدان کشیده شوند. اگر ما با تمام وجود لمس کنیم که درگیر یک نبرد درازمدت مهلک و نامرئی هستیم، همه باید بسیج بشویم و هرکس به هر مقداری که میتواند، مانند همین نبرد نظامی که همه دارند کمک می کنند؛ پیرو جوان، شهری و روستایی، با سواد و بیسواد، آگاه و ناآگاه، کوچک و بزرگ، همه و همه بر اساس وسع خودشان در این جنگ سهیم هستند. در جنگ فرهنگی نیز بسیج نیروها باید انجام شود، هرچند اشاره کردم که طلیعه داران این نبرد باید آموزش و پرورشها باشند، باید امور تربیتی ها باشند، باید تک تیراندازهای این نبرد مربیان تربیتی باشند، اما همه باید به میدان بیایند. مدیریت ما امروز در سطوح مختلف باید بپذیرد که مسؤل تربیت نسل آینده است و امور تربیتی همکار اوست. امور تربیتی مجری برنامه ها و فعالیتهای تربیتی است نه متولی آن.

در جلساتی که با والدین دارید ابلاغ فرمایید تا آنها هم مشارکت فعال داشته باشند. و انشاء الله با همکاری مدیران و مربیان و اولیای مدرسه و خانه فرهنگ اسلامی را بیش از پیش در مدارس اشاعه دهیم. با آرزوی پیروزی رزمندگان اسلام و توفیق مربیان تربیتی